

## The Rights of Religious Minorities in International Law with a Look at the Constitution of Iran and Malaysia

**Maryam Roostaei<sup>1\*</sup>**

1. Master of Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 847-865

**Article history:**

**Received:** 31 Aug 2022

**Edition:** 5 Nov 2022

**Accepted:** 31 Dec 2022

**Published online:** 26 Feb 2023

### Keywords:

Minority rights, International documents, Constitution, Iran, Malaysia.

### Corresponding Author:

Maryam Roostaei

### Address:

Iran, Tehran, Allameh Tabatabai University

### Orchid Code:

### Tel:

09122177176

### Email:

Norooz1347@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** From a legal point of view, the word minority includes those human groups that are usually in marginal positions and conditions from a legal, political, cultural and economic point of view. The purpose of this research is to analyze and explain the rights of religious minorities in the international law system, the constitution of Iran and Malaysia.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Findings:** The concept of religious minorities in the international law system and the domestic law systems of countries does not have a single definition; This issue is the main source of existing differences of opinion.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** In Iran, with the recognition of the Shia religion in Article 12 of the Constitution, the rights of religious minorities should be recognized in the Constitution and these religions should be respected. Regarding the rights of religious minorities in Malaysia, considering the secularity of the political system of Malaysia the phrase "Islam is the official religion of the Federation" does not have any legal effect beyond the sending of participants to any religious ceremonies that perform their rites in accordance with Muslim religious ceremonies at the federal level.

### Cite this article as:

Roostaei M. *The Rights of Religious Minorities in International Law with a Look at the Constitution of Iran and Malaysia*. *Economic Jurisprudence Studies* 2022-2023; *Review on New Researches of Jurisprudence and Law*.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

## حقوق اقلیت‌های مذهبی در حقوق بین‌الملل با نگاهی به قانون اساسی کشورهای ایران و مالزی

مریم روستائی<sup>۱</sup>

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** اصطلاح اقلیت از نظر حقوقی شامل آن دسته از گروه‌های انسانی است که معمولاً از جهت حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در موقعیت و شرایط حاشیه‌ای قرار دارند. هدف از پژوهش حاضر تحلیل و تبیین حقوق اقلیت‌های دینی در نظام حقوق بین‌الملل، قانون اساسی ایران و مالزی است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری است. روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

**یافته‌ها:** مفهوم اقلیت‌های دینی در نظام حقوق بین‌المللی و نظام‌های حقوق داخلی کشورها دارای تعریفی واحد نیست. همین موضوع منشأ اصلی اختلاف نظرات موجود است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** در کشور ایران لازم است با رسمیت مذهب تشیع در اصل ۱۲ قانون اساسی، حقوق اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود و این مذاهب از احترام برخوردارند. در خصوص حقوق اقلیت‌های مذهبی در کشور مالزی با توجه به سکولار بودن نظام سیاسی مالزی، عبارت «اسلام مذهب رسمی فدراسیون است» اثر قانونی فراتر از اعزام شرکت‌کنندگان در هر مراسم مذهبی دارند که در سطح فدرال، مناسکشان را مطابق با تشریفات مذهبی مسلمانان اجرا می‌کنند.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۴۷-۸۶۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۷

### واژگان کلیدی:

حقوق اقلیت‌ها، اسناد بین‌المللی، قانون اساسی، ایران، مالزی.

### نویسنده مسئول:

مریم روستائی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

کد ارکید:

تلفن:

۰۹۱۲۲۱۷۷۱۷۶

پست الکترونیک:

Norooz1347@yahoo.com

## ۱. مقدمه

احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض و نقض حقوق حقه آنان، یکی از مسائل مبتلابه حقوق بشر دنیای ما است. به جرئت می‌توان گفت امروزه نمی‌توان کشوری را یافت که تمام تابعیتش یک-دست باشد و در آن کشور اقلیت معنا و مفهومی نداشته باشد. از سوی دیگر، در دنیای کنونی که تمام کشورها سعی می‌کنند جایگاه خود را از نظر حقوق بشر ارتقا بخشند، رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند یکی از معیارهای مهم این ارزش‌گذاری باشد. وضع حقوقی اقلیت‌ها و گروه‌های قومی هم می‌تواند محرکه تنش باشد و هم فرونشاندۀ آن تلقی شود (شعبانی و دیگران، ۱۴۰۰، ۴۲).

ورود هنجارهای دینی با قرائت فقه شیعی به عرصه حکمرانی و اعلام رسمیت بخشیدن به دین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و براساس منطوق اصل ۱۲ در مقیاسی بسیار گسترده کارکردهای جدید و آثار مهمی را در پهنه حقوق اساسی این کشور به وجود آورد. اعلام رسمیت مذهب شیعه اثنی‌عشری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تأثیرگذاری بر همه شئون نظام حقوقی به عنوان مبنای مشروعیت حکومت نیز قلمداد شده است. مقصود از رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری در منظومه قانون اساسی آن است که همه قوانین و مقررات لازم‌الاجرا نظام جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری تصویب و اجرا شود. رسمیت اسلام و تشیع و لزوم انطباق قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران با آموزه‌های اسلامی و شیعی دارای مبانی مستحکم فقهی و کلامی است. اختصاص تشریع به خداوند متعال و لزوم تسلیم در

برابر اوامر او به منظور دستیابی به سعادت دنیا و آخرت و همچنین استنادات قرآنی و روایی در خصوص انحصار دستیابی به مسیر سعادت از طریق اهل بیت عصمت و طهارت (ع) مهم ترین مبانی رسمیت دین و مذهب در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. همچنین مقصود اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از عبارت «مذهب جعفری اثنی‌عشری» یکی از فرق اسلامی است که دارای اعتقادات مشخصی بوده و جوهره و وجه بارز ممیزه آن از سایر مذاهب اسلامی پیروی از امیرالمومنین (ع) و یازده فرزند معصوم ایشان در جایگاه جانشینان رسول خدا (ص) است که دارای مقام عصمت بوده‌اند و به عنوان انسان کامل تلقی می‌شوند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که حقوق اقلیت‌های دینی در نظام حقوقی ایران، مالزی و نظام حقوق بین‌الملل به چه نحو است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که قانون اساسی ایران در اصل ۱۲ علاوه بر تبیین نوع رویکرد به دین و مذهب و جایگاه اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه سایر مذاهب اسلامی را نیز کرده است. بر این اساس اصل ۱۲ مقرر می‌دارد: «...مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات

ندارد. همین موضوع منشأ اصلی اختلاف نظرات موجود است.

## ۵. بحث

### ۵-۱. مفهوم اقلیت

واژه اقلیت در لغت به معنای اندک بودن، کم بودن، قسمت کمتر، مقابل اکثریت آمده است. اقلیت در اصطلاح به معنای گروه‌های کوچکی است که در جوامع زندگی می‌کنند و در خصوصیات و ویژگی‌هایی همانند دین، نژاد، رنگ، زبان و مانند این‌ها با یکدیگر اشتراک دارند (شریعتی، ۱۳۸۷، ۲۰). به بیان دیگر، مقصود از اقلیت قسمتی از افراد جامعه انسانی است که از منظر دین، زبان، نوع زندگی و فرهنگ با اکثریت جامعه متفاوت‌اند.

### ۵-۲. حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی

در این قسمت حقوق اقلیت در اسناد بین‌المللی را بررسی می‌کنیم.

### ۵-۲-۱. منشور ملل متحد و اصل عدم تبعیض

۱۹۴۵

پس از جنگ دوم جهانی و جایگزینی سازمان ملل متحد به جای جامعه ملل در سال ۱۹۴۵، انتظار می‌رفت حمایت از حقوق اقلیت‌ها در برنامه کار این سازمان قرار گیرد، اما چنین انتظاری نه تنها برآورده نشد؛ بلکه به تعهدات سابق مربوط به اقلیت‌ها نیز پایان داده شد. سازمان ملل در این باره به بیان اصل عدم تبعیض در منشور بسنده کرد. بر اساس این، اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت‌های عضو در پرتو

شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب» بر این اساس قانون‌گذار اساسی اقدام به اساسی‌سازی لزوم احترام به سایر مذاهب اسلامی و لزوم رعایت آزادی آن‌ها در انجام مراسم مذهبی و همچنین صلاحیت مقررگذاری در حیطه صلاحیت شوراها محلی برای آن‌ها کرده است. در کشور مالزی نیز، در تعریف اسلام به جای مشخص نمودن یک نقش سیاسی بیشتر به یک نقش فرهنگی و اجتماعی مبادرت شده است. در این جامعه نفوذ دین در سیر تاریخی خود یک امر کاملاً فرهنگی و اجتماعی بوده است و عمده نقش خویش را در ایجاد وحدت در مناطق متنوع مالزی و بین آنان تعریف کرده است (Shamrahayu, 2008, 4).

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری است. روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتاب-خانه‌ای بوده است.

## ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مفهوم اقلیت‌های دینی در نظام حقوق بین‌المللی و نظام‌های حقوق داخلی کشورها دارای تعریف واحدی

## ۵-۲-۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

میثاقین یکی دیگر از اسناد بین‌المللی است که بر روی برابری حقوق و عدم تبعیض برای همه انسان‌ها تأکید می‌کند (به ترتیب بند اول ماده ۲ و بند ۲ ماده ۲). بدین ترتیب در ابتدا نظام بین‌المللی حمایت از حقوق اقلیت‌ها بر اثر مقرراتی که به منظور حمایت از حقوق بشر به طور کل و عدم تبعیض میان آن‌ها وضع شود؛ پایه‌ریزی شد. بدیهی است که تأمین حقوق همه افراد، صرف‌نظر از وضعیت اقلیتی آن‌ها، اشخاصی را که متعلق به اقلیت‌ها هستند نیز در جایگاه افراد یک جامعه، در بر می‌گیرد. به مرور زمان و با تحول عقاید، مشخص شد که مسئله اقلیت‌ها صرفاً تحت پوشش حقوق عامه بشر حل نمی‌شود؛ بلکه می‌باید عامل مهم دیگری را نیز مد نظر قرار داد و آن هم تعلق (یا احساس تعلق) به گروهی است که دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر افراد جامعه متمایز می‌کند. بنابراین حمایت از حقوق اقلیت‌ها بدون در نظر گرفتن جنبه گروهی و دسته‌جمعی مسئله اقلیت‌ها به طور مسلم ناکامل و بی معنی خواهد بود (ذوالعین، ۱۳۷۳، ۴۴۲).

بر خلاف پیچیدگی مسئله و گاهی هم مخالفت بعضی دولت‌های عضو، سازمان ملل فعالیت‌هایی را در این راستا آغاز کرد که از جمله آن‌ها، گنجاندن ماده‌ای در میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ماده مشهور ۲۷) بود که به موازات فعالیت‌ها منجر به تدوین و تصویب «اعلامیه درباره حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی، دینی یا زبانی» شد.

بنابراین تنها هنجار الزام‌آور پیرامون صیانت از اقلیت‌ها در چارچوب نظام بین‌الملل نوین به این ماده

اصل عدم تبعیض و برابری افراد بشر با یک‌دیگر، تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند. بنابراین، منشور، شالوده نظام حمایت از اقلیت‌ها را بر «عدم تبعیض» بنا نهاده است (شمشادی و دیگران، ۱۳۷۹، ۴۴).

## ۵-۲-۲. کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌زدایی (ژنوساید) ۱۹۴۸

مطابق ماده دوم این کنوانسیون، ارتکاب جنایت به دلایل قومی، ملی و یا مذهبی مشمول این کنوانسیون بوده است و هر عملی که در جهت از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی، ارتکاب یابد، جنایت محسوب می‌شود و این کنوانسیون این‌گونه اقدامات را با قاطعیت محکوم کرده است و تدابیری جهت جلوگیری از وقوع آن به عمل آورده است (ذوالعین، ۱۳۷۳، ۴۴۲).

## ۵-۲-۳. کنوانسیون بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵

این معاهده برای تعریف و محکوم ساختن تبعیض نژادی است. هدف این کنوانسیون در پیش گرفتن تدابیر ملی در جهت پیشرفت گروه‌های نژادی و قومی است. بر فرض آنکه این کنوانسیون یکی از اسناد غیر مستقیم حمایت از اقلیت‌ها به شمار آید، فقط از اقلیت‌های قومی و نژادی حمایت می‌کند و درباره اقلیت‌های مذهبی و دینی ساکت است (امیرارجمند، ۱۳۸۱، ۱۴۸-۱۳۵).

### ۵-۳-۱. مبانی رسمیت مذهب در اصل دوازدهم

#### قانون اساسی

یکی از موضوعات مهم مطرح شده در اصل ۱۲ قانون اساسی، جایگاه مهم دین و مذهب رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس این اصل، دین اسلام دین رسمی و مذهب جعفری اثنی-عشری، مذهب رسمی معرفی شده است. مقصود از دین در این اصل، مجموعه تعالیمی است که خداوند متعال به منظور سعادت بشر از طریق پیامبر خاتم (ص) نازل فرموده است و مقصود از مذهب شیعه جعفری اثنی عشری بیان یکی از فرق اسلامی است که دارای اعتقادات مشخصی است در قالب مهم ترین مبنای فقهی اساسی سازی دین و مذهب رسمی می توان به قاعده وجوب تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه های فقه شیعه اشاره کرد. این قاعده مبتنی بر لزوم و وجوب تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مقررات شرعی در زندگی فردی و اجتماعی به حکومت های غیر اسلامی و قاعده ای اشتراک در تکلیف بنیان شده است (کعبی، ۱۳۹۱، ۴۲-۴۱).

### ۵-۳-۲. رسمیت مذهب شیعه اثنی عشری

قانون گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهارم قانون اساسی با الزام ابتدای همه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی، معیاری در حوزه مقرر گذاری بیان کرده است تا روح حاکم بر نظام جمهوری اسلامی، از این طریق حراست و حفاظت شود. بدین منظور موازین اسلامی بر همه قوانین و مقرراتی که در کشور تصویب می شود، حاکم دانسته شده است و فقهای شورای نگهبان به عنوان مرجع صیانت از این امر مشخص شده اند. اصل چهارم مهم ترین اصلی است که در قانون اساسی جایگاه احکام

میثاق حقوق مدنی و سیاسی محدود می شود؛ ماده ۲۷ مقرر می دارد: «در کشورهایی که اقلیت های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت های مزبور را نمی توان از این حق محروم نمود که با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.» این ماده سه حق را برای اقلیت ها شناسایی می کند که عبارت اند از: حق تمتع از فرهنگ خاص خود، حق تدین به دین خود و عمل بر طبق آن، حق تکلم به زبان خود (میرمحمدی، ۱۳۸۵، ۵۶-۷۶)

مفاد اعلامیه مذکور را می توان در پرتو نظریه دیوان دائمی دادگستری بین المللی که در ۶ آوریل ۱۹۳۵ در قضیه مدارس اقلیت ها در آلبانی صادر شد، مورد بررسی قرار داد. زیرا این حکم در واقع تفکر اساسی نظام حمایتی از حقوق اقلیت ها را به خوبی بیان کرده است؛ تأمین امکانات هم زیستی مسالمت آمیز اقلیت ها با سایر جمعیت ها، ضمن حفظ ویژگی های خاص آن ها (ذوالعین، ۱۳۷۳، ۴۴۳). در نتیجه به نظر می رسد، راه حل مسئله اقلیت ها و حمایت از حقوق آنان شامل دو جنبه مکمل است: برقراری مساوات میان آن ها و اکثریت جمعیت و منع هر گونه تبعیض میان آن ها از یک سو و مضافاً بر این، اعطای امتیازات خاصی به منظور حراست از علایق خاص آنان، از سوی دیگر.

### ۵-۳. حقوق اقلیت های مذهبی در قانون

#### اساسی جمهوری اسلامی ایران

شرع در قانون‌گذاری را در نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص کرده است و در قالب یک اصل فرادستوری بر سایر اصول قانون اساسی نیز برتری دارد (کعبی، ۱۳۹۱، ۴۳).

### ۵-۳-۳. گستره حقوق اقلیت‌های مذهبی

بررسی وضعیت اقلیت‌ها در ایران را نمی‌توان از موضوع حقوق آنان در اسلام جدا کرد. از آنجا که اقلیت‌های مذهبی در اسلام و سیره بزرگان دین مورد توجه بوده‌اند، در این باره قوانین زیادی وضع شده است. همچنین، در اسلام توجهی به نژاد و قومیت نشده است که به معنای عدم احتساب آن‌ها در قالب عمل مثبت و منفی است.

### ۵-۳-۳-۱. حق احترام کامل و عدم توهین به

#### مقدسات مذاهب اسلامی

یکی از حقوق مذاهب اسلامی که در اصل ۱۲ قانون اساسی به آن تصریح شده است، حق احترام کامل است. بر اساس این حق که یکی از ضروریات زندگی اجتماعی ناشی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده است و دارای مبانی روایی در سیره و سنت اهل بیت (ع) نیز است، مذاهب اسلامی در نظام ایران دارای احترام کامل هستند. مهم‌ترین اثر حقوقی این حق آن است که هر گونه توهین و یا بی‌احترامی به آموزه‌ها و مقدسات سایر مذاهب اسلامی از منظر قانونی ممنوع بوده است و قانون‌گذار عادی موظف است در راستای تحقق این حکم قانون اساسی اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های بازدارنده کند (کعبی، ۱۳۹۱، ۳۸).

### ۵-۳-۳-۲. حق آزادی انجام مراسم مذهبی و

#### تعلیم و تربیت دینی

دومین حقی که قانون‌گذار اساسی برای سایر مذاهب اسلامی در نظر گرفته است، حق آزادی انجام مراسمات مذهبی بر اساس آموزه‌های فقه آن مذهب است. بر این اساس از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسمات مذهبی خود آزادند. علاوه بر این، پیروان سایر مذاهب اسلامی می‌توانند به تعلیم و تربیت فرزندان خود در مساجد، مدارس و مجالس بر اساس آموزه‌های برآمده از عقاید، معارف، فقه و تاریخ مذهب خود اقدام کنند. برای نمونه پیروان مذاهب اهل سنت می‌توانند در مساجد خود پنج نوبت اذان بگویند، در ماه مبارک رمضان نماز تراویح بخوانند، در ایام جشن‌ها و مراسمات مذهبی مطابق با اعتقادات تاریخی و فقهی خود عمل کنند (یزدی، ۱۳۷۵، ۱۸۲). بر این اساس قانون‌گذار عادی و مسئولان اجرایی موظف‌اند همه امکانات لازم را برای تحقق این حق قانونی فراهم کنند.

### ۵-۳-۳-۳. حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و

#### دادرسی مربوط به آن بر اساس مذهب

یکی دیگر از حقوقی که اصل ۱۲ قانون اساسی برای سایر مذاهب اسلامی تصریح می‌کند، حق بهره‌مندی از حقوق ناشی از احوال شخصیه و حق دادرسی در خصوص این دسته از حقوق مطابق با مذاهب آنان است. در این خصوص باید بیان کرد که از احوال شخصیه تعاریف متعددی به وسیله اندیشمندان حقوقی ارائه شده است (طاهری، ۱۳۷۶، ۳۶).

با وجود این قانون‌گذار اساسی با ذکر مصادیق احوال شخصیه به ازدواج، طلاق، ارث و وصیت، دایره این مفهوم را به مصادیق ذکر شده محدود کرده است. بر این اساس از آنجا که ممکن است میان مذاهب

اساسی که به موضوع شوراها اختصاص دارد، حیطة صلاحیت شوراهای محلی در زمینه برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی بوده است و از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی صورت می‌پذیرد. دوماً، مطابق با اصول ۱۰۰ و ۱۰۵ قانون اساسی، شوراهای محلی در تصمیم‌گیری‌های خود محدود به رعایت اصول وحدت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی بوده و تصمیمات آنها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. سوماً مبتنی بر اصل ۱۲ شوراهای متشکل از پیروان مذاهب اسلامی باید در مصوبات خود، حقوق سایر مذاهب اسلامی را رعایت کنند. بر این اساس از مصادیق اختیارات شوراهای محلی که مبتنی بر اصل ۱۲ قانون اساسی به وسیله پیروان مذاهب اسلامی تشکیل می‌شود، می‌توان به اموری همانند تعیین تکلیف تخریب مساجد برای راه‌سازی، وضع عوارض محلی در حدود زکات و اتخاذ تصمیمات فرهنگی بر اساس مذهب حاکم اشاره کرد. در نتیجه به نظر می‌رسد، حق احترام کامل و توهین نکردن به مقدسات مذاهب اسلامی، حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی، حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی آنها بر اساس مذهب و حق مقررگذاری در حدود اختیارات شورای محلی در قالب مهم‌ترین حقوق سایر مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته است.

#### ۵-۳-۴. محدودیت‌های حقوقی مربوط به اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی ایران

اسلامی در خصوص احکام هر یک از مصادیق ذکرشده اختلافات و تفاوت‌هایی موجود باشد، قانون اساسی حکم کرده است که پیروان هر یک از این مذاهب در موضوعات ازدواج، طلاق، ارث و وصیت مطابق با مذهب خود عمل کنند. علاوه بر این به هنگام بروز اختلافات و طرح دعاوی در خصوص موضوعات مرتبط با ازدواج، طلاق، ارث و وصیت میان پیروان مذاهب اسلامی دادگاه‌ها موظف‌اند مطابق با احکام فقهی مذهب مورد نظر اقدام به صدور حکم کنند. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ که به نظر همچنان معتبر است، در خصوص نحوه اجرای این حق مقرراتی را وضع کرده است (کعبی، ۱۳۹۱، ۳۹-۳۸).

#### ۵-۳-۳-۴. حق مقررگذاری در حدود اختیارات شوراهای محلی

قانون‌گذار اساسی در کنار رسمیت بخشی به مذهب شیعه اثنی‌عشری، حق مقررگذاری در حیطة صلاحیت‌های شوراهای محلی را در مناطقی که اکثریت ساکنان آن از مذهب خاصی هستند در قالب یکی دیگر از حقوق مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرده است و مقرر می‌دارد: «در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب». بر این اساس اگر پیروان هر یک از مذاهب اسلامی در حوزه صلاحیت شوراهای محلی، اکثریت جمعیت را تشکیل دهند، می‌توانند مطابق با آموزه‌های مذهب خود اقدام به مقررگذاری کنند. در این خصوص توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد: اولاً، مطابق با فصل هفتم قانون

**۵-۳-۴-۱. محدودیت مربوط به ولایت فقیه در****اصل ۵ قانون اساسی ایران**

یکی از موارد محدودیت‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی اصل پنجم قانون اساسی است؛ زیرا در این اصل ولایت فقیه که شرایط آن در قالب مقام رهبری بیان شده است؛ اختصاص به مذهب شیعه دارد و این اصل بیانگر این است که رهبری همواره فقیهی است که مذهب شیعه دارد. این اصل در حقیقت برگردان قانونی و راه‌کار اجرایی اصل امامت و شکل عینی تداوم آن در قالب ولایت فقها و امامت نیابی فقیه عادل است که بیشتر مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند. در حکومت اسلامی هرگاه ولایت و حاکمیت شرعی در اختیار غیر فقیه یا فقیهی فاقد شرایط یادشده باشد، این نظام مشروعیت نداشته و بر پایه اصل امامت و تداوم آن از طریق امامت فقیهان واجد شرایط، استوار نخواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

**۵-۳-۴-۲. محدودیت مربوط به رجل مذهبی****سیاسی در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی**

مفهوم مجمل رجل مذهبی سیاسی که در اصل صد و پانزدهم قانون اساسی به منظور تبیین پیش‌شرط تصدی منصب مهم ریاست جمهوری به کار برده شده است، در حقیقت تبلور شروط سه گانه فقاقت یا دین‌شناسی، سیاست یا آگاهی به مقتضیات زمانه و عدالت است. ضمن اینکه رجل مذهبی بودن به معنای این است که رئیس‌جمهور از رجال مذهب رسمی شیعه باشد و نمود آن فقاقت است. هرچند مجتهد بودن که یکی از مباحث اختصاصی مذهب تشیعه است برای رئیس‌جمهور در نظر گرفته نشده

است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۵). بنابراین می‌توان استنباط کرد که شرط رجل مذهبی بودن که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است، شامل رجل مذهب رسمی است و از این رو یکی از محدودیت‌های حقوقی و قانونی مربوط به اقلیت‌های مذهبی (مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی) است.

**۵-۳-۴-۳. اصل یک‌صد و هفتادم (عدم اجرای****مصوبات دولتی خلاف قانون و اسلام)**

مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی قضات دادگاه‌ها مکلف هستند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه، خودداری کنند. در راستای ضرورت رعایت برتری قانون و موازین اسلامی، قانون اساسی در این اصل، امکان نوعی نظارت بر مقررات دولتی را برای دادرسان شناسایی کرده است. مطابق این اصل، قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند از اجرای مقررات خلاف قانون، مقررات اسلامی و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه خودداری کنند. منطوق این اصل، نمایانگر جعل صلاحیت‌های گسترده‌ای برای قضات است. به طوری که آنان مکلف به عدم اعمال مصوبات دولتی مخالف قانون، مقررات اسلامی و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه هستند. در این اصل با خودداری از اجرای مقررات خلاف اسلام از ابتدای قوانین و مقررات بر اساس اسلام حمایت صورت گرفته است. این موضوع نیز غیر مستقیم مرتبط با محدودیت‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی است.

## ۵-۴. حقوق اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی

### مالزی

مالزی در جایگاه کشوری برخوردار از سطح مطلوبی از توسعه‌یافتگی دارای نظام سیاسی پادشاهی مشروطه است و مرکب از گروه‌های نژادی مختلف اعم از مالایی ۴۹٪، چینی ۳۲٪، هندی ۹٪ و دیگر نژادها ۱۰٪. با این وصف طبیعی است که این جامعه بستر ظهور ادیان متفاوت نظیر اسلام، بودا، هندو و مسیحیت و دیگر ادیان باشد (غفاری، ۱۳۹۲، ۱).

## ۵-۴-۱. اعلام رسمیت دین در قانون اساسی

### کشور مالزی

در خصوص اعلام رسمیت مذهب در تدوین قانون اساسی مالزی میان نمایندگان حاکمان مالایی و نماینده حزب اتحاد در پیشنهاد اسلام برای مذهب فدراسیون اختلاف نظر وجود داشت. نمایندگان حاکمان مالائوس با اسلام در قالب مذهب فدراسیون مخالفت کردند و بیان کردند که اسلام یک ماده در قوانین ایالت‌ها است (Shamrahayu, 2008, 4-10). رسمیت اسلام در ماده سوم قانون اساسی مالزی چنین نمود می‌یابد: «اسلام مذهب رسمی فدراسیون است و سایر مذاهب قادرند در صلح و هماهنگی با مذاهب رسمی در هر نقطه از فدراسیون اجرا شوند.» شناسایی مذاهب هرچند به نظر می‌رسد با عنایت به سکولار بودن نظام سیاسی مالزی، عبارت «اسلام مذهب رسمی فدراسیون است»، اثر قانونی فراتر از اعزام شرکت‌کنندگان در هر مراسم مذهبی که در سطح فدرال به اجرای مناسکشان مطابق با تشریفات مذهبی مسلمانان می‌پردازند، نداشته باشد (hickling, 2003, 72).

## ۵-۴-۲. حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی

### در قانون اساسی مالزی

فصل دوم قانون اساسی مالزی آزادی‌های بنیادین ملت تبیین کرده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تضمین آزادی‌ها و حقوق شهروندی در کشور مالزی حمایت از حقوق شهروندان غیر مسلمان است. بی‌اچ. لدل‌هارت مورخ نظامی می‌گوید: «پیشرفت معنوی بشریت به‌طور کلی شبیه یک هرم یا قله کوه است، جایی که مقصد صعود است، یک نقطه مشترک که همگان می‌خواهند به آن سمت عروج کنند. چنین است، تصور کسی که حقیقت معنویت را جست‌وجو می‌کند». اسلام در مالزی جزو لایفک این تصور است. همان‌گونه که در اصل ۳ قانون اساسی هم مقرر شده است اسلام مذهب رسمی فدراسیون است. هرچند در ۱۹۵۷ این شبهه مطرح بود که از آنجا که اسلام یک موضوع ایالتی است و کشور مالزی نیز جامعه‌ای چند مذهبی است، ذکر آن در قانون اساسی فدرال مناسب نیست. برای حل این معضل، اصل ۳ با یک شرط ضروری تصویب شد. ادای آئین‌های سایر مذاهب، در صلح و هماهنگی با مذهب رسمی در هر نقطه از فدراسیون آزاد است (Amad, 2000, 27-28).

با توجه به سکولار بودن نظام سیاسی مالزی، به نظر نمی‌رسد عبارت «اسلام مذهب رسمی فدراسیون است» اثر قانونی فراتر از الزام شرکت‌کنندگان در هر مراسم مذهبی (که در سطح فدرال برگزار می‌شود) به اجرای مناسکشان مطابق با تشریفات مذهبی مسلمانان، داشته باشد. هنگامی که ماهاتیر در سال ۱۹۸۱ نخست‌وزیر شد، افزایش قابل ملاحظه‌ای در

کرده‌اند، به گونه‌ای که اقلیت‌های بزرگ مذهبی به-طور خودجوش، کنار هم جمع شده و تشکیلات غیر دولتی را برای دفاع از حقوق شهروندی شان تأسیس نموده‌اند. بدین‌صورت، آن‌ها در تلاش‌اند تا سمت-وسوی سیاست‌های دولت را به نفع خود تغییر دهند (Kamali, 2005, 167).

در همین رابطه اصل ۱۱ قانون اساسی مالزی، حق آزادی عقیده را به رسمیت شناخته است و مقرر می‌کند: ۱. هر شخصی حق دارد که به هر آئینی ایمان بیاورد و آن را تبلیغ کند. ۲. هیچ شخصی نباید مجبور شود که از درآمدهایی که اختصاص به اهداف مذهبی به‌جای مالکیت شخصی دارد، مالیات بپردازد. ۳. هر فرقه مذهبی حق دارد که نهادهایی برای تأمین اهداف مذهبی خود تأسیس کند و امور مربوط به مذهب خویش را مدیریت کند و اموالی را به‌دست بیاورد و مطابق با قانون آن را اداره کند. ۴. قوانین ایالتی می‌توانند انتشار اصول مذاهب مختلف را در میان مسلمانان محدود کنند. ۵. این اصل به قوانین ایالتی اجازه نمی‌دهد که بر خلاف نظم عمومی، سلامتی عمومی و اخلاق تصویب کنند.

در سایر اصول قانون اساسی مالزی نیز حقوق و آزادی‌های بنیادین از جمله حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی برای همه اتباع این کشور، صرف‌نظر از نژاد، زبان و مذهبشان به رسمیت شناخته شده است. بر اساس اصل پنجم قانون اساسی مالزی: ۱. هیچ فردی نباید از حق زندگی با سایر آزادی‌های فردی که بر اساس قانون تضمین شده است، محروم گردد. ۲. هنگامی که شکایتی نزد دادگاه عالی با هر یک از قضات آن مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه فردی به صورت غیر قانونی بازداشت شده است، دادگاه باید در این رابطه تحقیق کند تا آنجا که برای دادگاه محرز

تولید برنامه‌هایی با محتوای اسلامی در ایستگاه‌های تلویزیون و رادیو که تحت کنترل دولت بود، رخ داد. همچنین بخشی دیگر از برنامه اسلامی‌سازی، اصلاح سیستم آموزش و پرورش بود. ماهاتیر این رویه را از دوران وزارتش در آموزش و پرورش در ۱۹۷۴ آغاز کرده بود. این وزارت، زیر نظر او در ۱۹۷۵، بودجه قابل توجهی را برای تعلیم علوم اسلامی به معلمان اختصاص داد و بعد از اینکه او به‌عنوان نخست‌وزیر، عهده‌دار این سمت شد، دولت گذراندن یک واحد اجباری را با عنوان تمدن اسلامی برای دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌ها الزامی کرد که در ۱۹۹۷ گذراندن این واحد برای همه دانشجویان از هر مذهبی الزامی شد.

اقلیت‌های دینی مالزی تمایل دارند که روند اسلامی‌سازی در این کشور به تدریج صورت گیرد. با وجود این، حزب اسلام‌گرای مالزی (پاس) در قالب اپوزیسیونی مهم که مخالف سیاست‌های مبتنی بر اصل سکولاریسم دولت و خواستار رعایت قواعد اسلامی حتی برای اقلیت‌های دینی است، به‌شدت ایده اسلامی‌سازی نظام سیاسی و حقوقی را در این کشور دنبال می‌کنند. این مسئله تا آنجا برای اقلیت‌های مذهبی ایجاد نگرانی می‌کرد که هنگامی که نخست‌وزیر سابق مالزی، ماهاتیر محمد در سخنرانی گفت که مالزی هم اکنون به یک دولت اسلامی تبدیل شده است، موجی از نگرانی جامعه اقلیت‌های مذهبی را در بر گرفت و تردید آن‌ها را بیشتر کرد که آیا حکومت مالزی ملتزم به ایجاد دولتی مذهبی و کثرت‌گرا است یا دولتی سکولار است؟

نتیجه وجود این فضا، سهم چشمگیر اقلیت‌ها با تأسیس جوامع مدنی در معادلات سیاسی ایجاد

شهروندان، حق برگزاری تجمعات صلح‌آمیز بدون حمل اسلحه را دارند. ۳. همه شهروندان حق دارند انجمن‌هایی را تأسیس کنند.

در اصل ۱۲ قانون اساسی، حق برخورداری از آموزش برای همه شهروندان مورد حکم قرار گرفته است.

اصل سیزدهم نیز حق مالکیت را برای مردم این کشور تضمین کرده است (Ahmad, 2007, 139).

در حقیقت در حافظه تاریخی مردم مالزی، رواداری فرهنگی، نژادی و مذهبی حک شده است. مساجد، معابد و کلیساها و... چشم‌انداز شهرها هستند. شهروندان با هر گرایش مذهبی در مراسم و جشن‌های مذهبی یکدیگر شرکت می‌کنند و حتی برخی از جشن‌های هندوها، مسیحی‌ها و ... تعطیل رسمی در تقویم این کشور لحاظ شده است.

در مواد ۲۹۵ تا ۲۹۸ قانون مجازات مالزی، توهین به همه مذاهب، جرم محسوب می‌شود و برای آن، مجازات در نظر گرفته شده است (farugi, 2005, 256). در مالزی قوانینی که برای تنظیم زندگی اجتماعی وضع می‌شوند چه در سطح فدرالی و چه در سطح ایالتی، گاه فقط اختصاص به مسلمانان مالزی دارد. نظیر قانون بانک‌داری اسلامی مصوب ۱۹۸۳، قانون خانواده اسلامی ۱۹۷۵، قانون دادگاه‌های اسلامی ۱۹۹۷ و... و بخشی دیگر، جامعه غیر مسلمان این کشور را در بر می‌گیرد (غفاری، ۱۳۹۱، ۱۹۸).

به نظر می‌رسد با توجه به آنچه بیان شد، اقلیت‌های مذهبی مالزی حق دارند زبان خود را در مدارس به فرزندانشان آموزش دهند و در مناسبات اجتماعی نظیر دادوستد از آن استفاده کنند. همچنین اقلیت‌های دانش‌آموز در این کشور حق استفاده از

گردد که این بازداشت به صورت قانونی صورت گرفته و در غیر این صورت، فرد بازداشت شده باید آزاد گردد. ۳. زمانی که فردی بازداشت می‌شود، باید هرچه سریع‌تر از دلایل بازداشت آگاه شود و باید اجازه یابد که از مشورت وکیل حقوقی به انتخاب خودش بهره‌مند و امکان دفاع از وی فراهم شود. ۴. هنگامی که فردی بازداشت می‌شود، باید پرونده او در هر مورد حداکثر ظرف ۲۴ ساعت به دادگاه بخش ارسال شود. اجازه ادامه بازداشت فرد فقط با اجازه رئیس دادگاه بخش ممکن است.

اصل ششم قانون اساسی مالزی، برده‌داری و کار اجباری را منع کرده است.

اصل هفتم قانون اساسی مالزی، قواعدی را در خصوص منع عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری و محاکمه‌های مکرر شهروندان در خصوص یک جرم بیان کرده است.

اصل هشتم قانون اساسی این کشور با عنوان برابری، اصل برابری شهروندان در مقابل قانون را تضمین کرده است: ۱. همه شهروندان در مقابل قانون با یکدیگر برابرند و از حمایت‌های قانونی به‌طور یکسان بهره‌مند می‌شوند. ۲. به جز در مواردی که به صراحت در قانون اساسی تجویز شده است، هیچ تبعیضی میان شهروندان از حیث مذهب، نژاد، نسب، محل تولد یا جنسیت آن‌ها وجود ندارد.

اصل نهم قانون اساسی مالزی آزادی رفت‌وآمد شهروندان در داخل و خارج از مرزهای این کشور و ممنوعیت اخراج ایشان از فدراسیون را در نظر گرفته است.

اصل دهم نیز آزادی بیان، تجمع و تأسیس انجمن‌ها را مد نظر قرار داده است و مقرر کرده است: ۱. همه شهروندان، حق آزادی بیان و اظهار نظر دارند. ۲. همه

لباس‌های متحدالشکل مطابق با آئین و فرهنگ خودشان را دارند.

### ۳-۴-۵. محدودیت‌های حقوق و آزادی اقلیت‌ها در نظام حقوقی مالزی

قانون اساسی مالزی و سایر قوانین عادی، حقوق و آزادی‌های بنیادین را برای اقلیت‌ها به رسمیت شناخته‌اند. هرچند این به معنی برابری کامل مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی در برخورداری از حقوق یکسان نیست و با توجه به جایگاه اسلام در قالب دین رسمی در این کشور، اقلیت‌های مذهبی باید محدودیت‌هایی را در اعمال حق آزادی ابراز عقیده خود پذیرا باشند. برای مثال مطابق بند ۴ اصل ۱۱ قانون اساسی مالزی، قوانین ایالتی می‌توانند انتشار اصول مذاهب مختلف را در میان مسلمانان محدود کنند. با این وجود، مسلمانان حق دارند که اصول مذهبی خود را در میان غیر مسلمانان تبلیغ کرده و آنها را به پذیرش این آیین دعوت نمایند. برخی از حقوق دانان بر این باورند که دلیل درج شرط فوق‌الذکر در قانون اساسی، ملاحظات مربوط به پاس‌داشت نظم عمومی بوده است تا اولویت بخشیدن به مذهب اسلام؛ زیرا در این کشور ارتباط بسیار نزدیک و غیر قابل انکاری میان نژاد مالایی و مذهب اسلام وجود دارد و هر اقدامی در جهت تضعیف جایگاه آئین اسلام به صورت خودکار به تحقیر جامعه مالایی منجر خواهد شد. بهترین گواه برای اثبات گزاره فوق، بند ۲ اصل ۱۶۰ قانون اساسی مالزی است که شهروند مالایی را چنین تعریف می‌کند: مالایی کسی است که به مذهب اسلام اعتقاد دارد و بر حسب عادت به زبان مالایی صحبت می‌کند و ... مورد دیگر در خصوص حق تأسیس پرستش‌گاه‌ها توسط

اقلیت‌های مذهبی است که در بند ۳ اصل ۱۱ قانون اساسی مقرر شده است. در نظام حقوقی این کشور، تشریفات خاصی برای احداث معابد و کلیساها و گورستان‌های اقلیت‌های مذهبی پیش‌بینی شده است (Maslim, 2000, 184).

در خصوص آزادی بیان نیز ذکر این نکته ضروری است که هر شهروندی حق آزادی بیان دارد که به وسیله بند ۱ اصل ۱۰ قانون اساسی مالزی تضمین می‌شود. ولی این حق مطلق نیست؛ چون به موجب بند ۲ اصل ۱۰ به پارلمان اجازه می‌دهد محدودیت‌هایی را که به نظر ضروری یا برای رسیدن به اهداف گوناگون به مصلحت می‌داند درباره این حق اعمال کند. مهم‌ترین عناوین این محدودیت‌ها عبارت‌اند از: امنیت ملی، نظم عمومی با اخلاق، توهین به دادگاه، افترا تشویق به ارتکاب جرم.

همچنین بند ۴ اصل ۱۰ قانون اساسی به پارلمان مالزی اجازه می‌دهد قواعدی را وضع کند که هر گونه پرسش را از موضوع‌هایی که به زبان، جایگاه خاص مالایی‌ها و بومیان و امتیازات ویژه حکومتی و صلاحیت و قلمرو قدرت پادشاهان اختصاص دارد، ممنوع کند (Sayeng, 2007, 253).

بنابراین اقلیت‌های غیر مسلمان در مالزی حق ندارند جایگاه خاص مالایی‌ها و امتیازات ویژه حکومتی پادشاهان را که آنها نیز باید از بین مالایی‌های مسلمانان انتخاب شوند، به چالش بکشند و به آن اعتراض کنند. امری که با اصل برابری شهروندان در مقابل قانون و جوهر ذاتی اصل آزادی بیان، ناسازگار می‌نماید.

یکی دیگر از محدودیت‌های اصل آزادی بیان، اهانت به دادگاه است. ممکن است تعبیر و کلماتی که یک فرد علیه دادگاه به کار می‌برد، موجب شود که متهم

با توجه به موارد فوق، هر فردی که اعمال مذکور را مرتکب شود یا شروع به ارتکاب جرم کند و مقدمات انجام آن را فراهم سازد یا برای اجرای آن با فرد دیگری تبانی کند، مجرم شناخته خواهد شد و به-تناسب آن جرم به مجازات‌هایی از قبیل حداقل، جزای نقدی تا سقف ۵۰۰۰ رینگیت و حداکثر پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

در مورد دیگری که از محدودیت‌های ناظر بر آزادی بیان در قانون جزای کشور مالزی جلوه‌گر شده است، عدم تجاوز به منافع و حقوق افراد در قالب خط قرمز آزادی بیان معرفی شده است. برای مثال، به کار بردن عامدانه کلماتی که منجر به جریحه‌دار کردن احساسات مذهبی دیگران شود، جرم محسوب می‌شود و مجرم به پرداخت جریمه نقدی یا حبس برای مدتی که از یک سال بیشتر نباشد یا در دو محکوم خواهد شد. نوع دیگر، ممنوعیت به کارگیری کلمات مذهبی نظیر ا...، بیت ا... الحرام، صلاه و و توسط غیر مسلمانان در این کشور است. در سال ۱۹۸۹ دولت مالزی ۴۲ واژه عربی را از دایره لغات مصطلح در زبان مالایی تفکیک کرد و به کار بردن آن‌ها را توسط غیر مسلمانان ممنوع اعلام کرد (Yousif, 1998, 96).

هرچند اقدام مزبور از دیدگاه محمدهاشم کمالی، موجب چالش در گفت‌وگوی میان ادیان خواهد شد، وی با اشاره به حدیث نبوی که به کار بردن کلمات طب و نیکو را مانند صدقه دادن دانسته‌اند، تأکید می‌کند که در حدیث مزبور، هیچ قیدی که غیر مسلمانان را از به کارگیری کلمات مزبور نهی کند، وجود ندارد و اگر به کارگیری کلمات مزبور در زبان غیر مسلمانان موجب توهین یا ترجمه آن در لغات در کتب ایشان، همراه با تحریف نباشد، منعی برای

به جرم اهانت به دادگاه شود. اگر آن کلمات در روند رسیدگی دادگاه به یک پرونده خاص، اخلاص ایجاد کند یا بیم آن برود که این سخنان بر روند رسیدگی عادلانه به پرونده، تأثیر جدی داشته باشد، محاکم حق ندارند، انتقاداتی را که پس از صدور حکم و بر اساس استدلال‌های منطقی به حکم دادگاه مطرح می‌شود و بر خلاف قوانین و مقررات و خیر عمومی نباشد، اهانت به دادگاه قلمداد کنند (احمدنیا و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۰۳).

محدودیت دیگر اصل آزادی بیان، در قانون شورش مصوب ۱۹۴۸ پیش‌بینی شده است. مطابق با قانون شورش مصوب ۱۹۴۸ هر کس کلمات فتنه‌جویانه و محرک شورش را به زبان بیاورد یا آن‌ها را چاپ و منتشر کند، مجازات خواهد شد. حال سوال اینجاست که چه اعمالی فتنه‌انگیز و محرک شورش قلمداد می‌شوند؟ در قسمت ذیل به مصادیق این اعمال اشاره می‌شود:

۱. ترویج عداوت و تنفر و توهین به مقامات حکومتی؛
۲. تحریک اتباع کشور با ساکنان مناطق فدرالی برای تعویض دولت‌ها از طریق روش‌های غیرقانونی؛
۳. ترویج حس دشمنی، تنفر و توهین به عاملان اجرای عدالت (قضات دادگاه‌ها در سطح کشور مالزی یا ایالات تابعه آن؛

۴. تحریک اتباع کشور و ایجاد حس تنفر و ناراضی در میان آن‌ها علیه بیانگ دی پرتو آن اگنگ (پادشاه کشور مالزی) یا سایر حکام ایالتی؛

۵. ترویج و گسترش احساس سوءنیت و دشمنی میان نژادها یا طبقات مختلف مردم در کشور مالزی؛
۶. ایجاد تردید به حقوق و امتیازات ویژه با نحوه حکمرانی که در فصل سوم قانون اساسی فدرال این کشور به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به مباحث این مقاله، متوجه می‌شویم که اقلیت‌های مذهبی در قالب یکی از انواع اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. این موضوع از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مخصوصاً ماده ۲۷ آن قابل استنباط است. چنان‌که در این سند به انواع چهار گانه اقلیت یعنی اقلیت‌های مذهبی، قومی، زبانی و ملی اشاره شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص اقلیت‌های مذهبی، اصول متعددی را آورده است که سرآمد آن‌ها اصل ۱۲ قانون اساسی است. این اصل تمامی حقوقی را که با عنوان حقوق ملت برای آحاد جامعه به رسمیت می‌شناسد، شامل همه اقلیت‌ها نیز دانسته است و حقوقی را مختص به اقلیت‌ها از جمله حق بر مشارکت و داشتن نماینده برشمرده است. در بحث آزادی تعلیمات دینی چنین است که قانون اساسی بین تمام مسلمانان غیر شیعه جعفری برای مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی حقوقی را قائل شده است؛ از جمله اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر داشته است که: «مذاهب دیگر اسلامی دارای احترام کامل می‌باشند». طبق این جمله، برای احتراز از تفرقه هر گونه بی‌احترامی به دیگر مذاهب اسلامی ممنوع است.

محدودیت‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی از اصول مختلف قانون اساسی قابل استنباط است. از جمله این محدودیت‌ها، شرایط ریاست جمهوری در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است که باید رئیس‌جمهور از رجل مذهبی باشد و منظور از رجل مذهب رسمی، شیعه است که قابلیت فقاقت داشته باشد. این موضوع را می‌توان از موارد محدودیت اقلیت‌های مذهبی دانست. به بیان دیگر رئیس‌جمهور

استفاده از لغات مزبور برای غیر مسلمان وجود ندارد. لازم به ذکر است که به دلیل اعتراضاتی از این دست، قانون مذکور در دسامبر ۲۰۰۹ اصلاح شد. در بند ۲ اصل ۱۲ قانون اساسی مالزی مقرر شده است: همه گروه‌های مذهبی حق دارند که مؤسساتی را برای آموزش کودکان بر طبق مذهب خودشان دایر کنند. با وجود این، یکی از انتقاداتی که غیر مسلمانان، به سیاست‌های دولت دارند اجباری بودن آموزش‌های اسلامی و اخلاقی در مدارس عمومی برای کودکان غیر مسلمان است. آموزش اصول مذهبی غیر اسلامی به کودکان غیر مسلمان، صرفاً در ساعات خارج از برنامه آموزشی مدارس امکان‌پذیر است (فوزی عبدالحمید، ۳۱۰، ۱۳۹۰).

محدودیت دیگر، ممنوعیت ازدواج میان مسلمانان و غیر مسلمانان است. از آنجا که طبق احکام اسلامی، مسلمانان صرفاً باید با هم‌کیشان خود ازدواج کنند، مسلمانان تابع قانون مدنی نیستند و صرفاً باید بر اساس قانون شریعت با یکدیگر ازدواج کنند. در نتیجه غیر مسلمانان در صورت تمایل به ازدواج با مسلمانان باید مذهب خود را ترک کنند و مسلمان شوند (Jusoh, 1991, 63-65).

توضیح آنکه اسلام و جامعه مالایی به هم آمیخته‌اند، برای مالایایی بودن باید مسلمان بود. می‌توان این هویت اسلامی و مالایایی را امروزه در واژگانی مشاهده کرد که برای گرویدن غیر مالایایی‌ها به اسلام چنین به کار می‌برند که درباره فرد تازه‌مسلمان می‌گویند که او مالایایی شده است (احمدوند، ۱۳۹۲، ۴۹). کما اینکه در ماده ۱۶۰ قانون اساسی مالزی، ویژگی شهروند مالایی را چنین بیان می‌کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

نمی‌تواند از اقلیت‌های مذهبی باشد. از دیگر محدودیت‌ها، شرط مجتهد بودن در اصل ۱۵۷ قانون اساسی و اصل ۱۶۲ قانون اساسی است که مطابق این دو اصل رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور باید مجتهد باشند که منظور از مجتهد در مذهب شیعه است که دارای قدرت استنباط احکام اسلامی است. این موضوع نیز از جمله موارد محدودیت سایر مذاهب است. همچنین اصل ۱۷۰ قانون اساسی که مرتبط با بحث اختیار قاضی در نظارت بر تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است؛ نیز از موارد محدودیت‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی البته به صورت غیر مستقیم است. به بیان دیگر، اختیار مزبور برای قاضی در تطابق با مقررات اسلامی شامل مسائل شرعی و یا مرتبط با نظرات فقهای امامیه است.

در کشور مالزی گرچه اسلام‌گرایی و فرهنگ اسلامی در مظاهر گوناگون مانند حجاب، منزلت و... نمود پیدا کرده است و مسلمان بودن با نوعی افتخار همراه است، به مواردی نیز بر می‌خوریم که نشان‌دهنده توجه به شریعت اسلام در این نظام است. مانند اینکه پادشاه باید مسلمان باشد و عنوان رئیس مذهب اسلام در سطح فدرال را دارد و نخست‌وزیر و حکام ایالات نیز ضمن اینکه باید مسلمان باشند هر کدام در سطح ایالات رهبر مذهبی شناخته می‌شوند و یا اینکه تنها مسلمانان اجازه تبلیغ دین خود را در میان سایر ادیان دارند. اما با وجود این در قانون اساسی، اصلی مبنی بر تطبیق همه قوانین با شریعت وجود ندارد. ضمن اینکه بحث شریعت و قوانین آن در سطح ایالات مطرح است و نه در سطح فدراسیون. در واقع قوانین شریعت فقط مربوط به مسلمانان و در

خصوص حقوق خانواده و احوال شخصیه است. این قوانین نقش اندکی در تعیین قوانین کشور دارند. در عین حال ماده ۷۵ قانون اساسی مالزی مقرر کرده است که در صورت وجود تعارض بین قوانین ایالات و قوانین فدرال، قوانین فدرال در اولویت هستند. بنابراین مسلم است که شریعت در این کشور مبنای واحد قانون‌گذاری به شمار نمی‌آید؛ بلکه یکی از منابع قانون‌گذاری است که از کتاب و سنت نشئت می‌گیرد. در نتیجه در کشور مالزی، مبنای مشروعیت حکومت سکولاریسم است.

در حقوق بین‌الملل تعریف مستقیمی از اقلیت در اسناد بین‌المللی نشده است؛ اما با توجه به عناصر عینی و ذهنی اقلیت که با کاربست نظریات هرمنوتیک حقوقی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر عام و خاص اقلیت‌ها قابل احصا هستند و نیز اظهارنظرهای عمومی کمیته حقوق بشر، اعلامیه ۱۹۹۲ و سند تفسیر آن در ۲۰۰۵ میلادی توسط گروه کاری اقلیت‌ها، می‌توان گفت تعریف مفهوم اقلیت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر عبارت است از: افراد وابسته به یک گروه در یک کشور یا بخشی از یک کشور که در مقایسه با بقیه جمعیت، تعداد اندک ولی کافی دارند و از منظر مذهب، قومیت، زبان یا منشأ ملی دارای تمایز آشکار با اکثریت هستند و با پذیرش این تمایز، در عین حال که تمایل آشکار یا ضمنی برای حفظ و ارتقای خصوصیات متمیزه خود از طریق نمایش اراده جمعی و حس همبستگی را دارند، با مطالبه هم‌گرایی برابری خواهانه و مشارکت مؤثر در جامعه ملیف به کشور خود وفادار و متعهد به نظم، اخلاق و هنجارهای عمومی هستند.

## ۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

#### ۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## فهرست منابع

### فارسی

- غفاری، هدی، «آسیب‌شناسی نظام عدم تمرکز در مالزی با رویکردی تطبیقی به نظام انگلستان»، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ششم، ۱۳۹۱.
- غفاری، هدی، «هم‌زیستی صلح‌آمیز ادیان در جوامع چند نژادی»، مجله پژوهش حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، ویژه‌نامه هفته پژوهش، ۱۳۹۲.
- فوزی عبدالحمید، احمد، چالش‌های جدید اسلام سیاسی در مالزی، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- کعبی، عباس؛ علم الهدی، حجت‌ا...، زفرقندی، علی، «تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر»، دانش حقوق عمومی، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۱.
- میرمحمدی، سیدمصطفی، «حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان»، اندیشه تقریب، شماره نهم، ۱۳۸۵.
- یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- احمدوند، شجاع، جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ چهارم، تهران، نشرنی، ۱۳۹۲.
- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- شمشادی، آریتا؛ آقای، علی‌اکبر، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، ۱۳۷۹.
- اصغرینیا، مرتضی؛ اعتماد، احمد، حقوق اساسی تطبیقی در آسیا، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی، ۱۳۹۷.
- ذوالعین، نادر، «حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره چهل-ویکم، ۱۳۷۳.
- شریعتی، روح‌ا...، اقلیت‌های دینی، چاپ اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.
- شعبانی، رضا؛ کاووسی، سیده زهرا، «حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران»، فقه و حقوق نوین، دوره دوم، شماره ششم، ۱۴۰۰.
- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، ۱۴۱۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی، دانش‌نامه فقه سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

### انگلیسی

- Ahmad, Yousif, F. Religion Freedom, minorities and talum, first publish, Kuala Lumpur, Kunla Lumpur Thinker, 1998
- Jusoh, Hamid, The Position of Islamic Law, in The Malaysian Constitution with Special Refrence to the Conversion Case in Family Law, first publish, Kuala Lumpur, Percetakan Dewan Bahasa dan Pustaka Kuala Lumpur, 1991.
- Ahmad, Zaid, Multiculturalism and Religio-Ethnic Plurality, The Malayslun Experience, Culture and Religion, Vol. 8, No. 2, 2007.
- Amad, Mohamed Ibrahim, The Adminstration of Islamic Law in Malaysia,

Kuala Lumpur, Institute Islamic Understanding Malaysia, 2000.

- Maslim, Mohammad, Kanali, islamito Law Development, Kuala Lumpur, IL Mish Publislere, 2000

- Kamali, Mohammad Hashim, Southeast Asia, Political Islam Malaysis, Kuala Lumpur, Institute of Southeast Asia studies Singapore, 2005.

- Hickling, Rh, malaysian public law, Kuala Lumpur, Pelanduc Publication. 2003.

- Sayeng, A, Your Rights and The Law, Kualu Lumpur, Lexis nexis, 2007.

- Farugi, Shad Saleem, the Malaysian constitution the Islamic state and hudud laws in islam in southeast asia, Kualu Lumpur, institute of southeast asia studies Singapore, 2005.

- Shamrahayu, Azizz, "History of the Malaysian Constitioins", malayan law journal, Vol. 34, 2008.